

یکشنبه • ۲۵ اسفند ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۹۷۸ • ۹

روزنامه سیاست • هنر	
تندروهای غیر قابل اصلاح، منزوی شوند	صفحه ۱۰
چالش تندروها و دولت روحانی	صفحه ۱۰
سکوت گاهی زُست گرفتن است	صفحه ۱۲

طایعه	
۴ چالش، ۴ راه‌حل	
حمیدرضا جلیلی‌پور استاد دانشگاه و فعال سیاسی	

دولت یازدهم و روحانی در سال آینده با همان چهار چالشی روبه‌رو خواهد بود که از چند ماه قبل، یعنی از آغاز دولت «تدبیر و امید»، برای آنها تدارک دیده شده است. اولین چالش، برنامه هسته‌ای، مسایل حول این موضوع و پیشبرد مذاکرات و چگونگی اجرای گام‌های «اتفاقنامه ژنو» است که در این مورد، دولت دکتر روحانی در دو جبهه با مشکل روبه‌رو است. هم جبهه داخلی و هم جبهه خارجی. مذاکره‌کنندگان و وزیر امور خارجه، در چالش با خارجی‌ها و غرب به‌دنبال تأمین منافع ملت ایران است و در داخل، درگیر تندروهایی است که برخی به سبب ناآگاهی و برخی دیگر به سبب منافع اثبات‌شده یا قابل‌اثبات، علاقه‌مند به حل موضوع و ره‌اندن ایران از تحریم‌های ظالمانه نیستند. این چالش در سال ۹۲ نیز ادامه دارد. دومین چالش، مشکلات و مسایل اقتصادی است؛ مشکلات اقتصادی ایران راه‌حل «احمدی‌نژادی» ندارد که با دستور به بانک‌مر کزی و چاپ پول، مشکلات گرانی را حل کنند یا دروازه‌های کشور را به روی چین باز کنند و با واردات بی‌رویه کالای مصرفی، با گرانی و تورم مبارزه کنند. یکی از راه‌حل‌های مشکلات اقتصادی این است که فضای کسب‌وکار مردم و تولیدکنندگان باید فراهم شود و این امر به عواملی بستگی دارد که تحقق آن، در اختیار آقای روحانی نیست چراکه آنچه باید حل معضلات اقتصادی می‌شود، حاکمیت قانون است که همه این حاکمیت دست رئیس‌جمهور نیست. چالش سوم، گشایش فرهنگی است؛ با اینکه وزارت ارشاد با درنظرداشتن همه فشارها، عملکردی حداقلی را دنبال می‌کند، تندروها همچنان سروصدا می‌کنند. روزنامه‌هایی که به تعبیر ریاست‌جمهور، مانند «دژ فولادی» هستند و افرادی که در آن نشسته‌اند، به‌راحتی به همه افترا می‌زنند، این موارد اتهامی را به‌سادگی جابج می‌کنند و در سوی مقابل، روزنامه‌نگارانی که به‌طور حرفه‌ای، مشغول فعالیت‌در کشور هستند باید برخی فشارها را تحمل کنند. بنابراین به‌نظر می‌رسد چالش‌های این حوزه، همچنان در سال جدید هم ادامه داشته باشد.

چالش چهارمی که دولت یازدهم در سال جدید با آن مواجه خواهد بود، «گشایش سیاسی» است که مستت‌تر از سایر چالش‌هاست با اینکه رئیس‌جمهور قول چنین گشایشی را داده‌اند اما همه می‌دانند که کار دشواری در پیش است چراکه معنای نهایی گشایش سیاسی آن است که گردش آزاد اطلاعات، نخبگان و سمت‌های سیاسی شکل گیرد. اما اینکه در مورد این چهارچالش، چه رویکردی باید در پیش گرفته نشود، بحث‌های بسیاری وجود دارد. تیم مذاکره‌کننده کشورمان باید به فعالیت حرفه‌ای خود ادامه دهد، در داخل هم کسی نباید از سرووصای تندروها گنج شود. اینها همیشه سروصدا می‌کنند که البته حق هم دارند چون در کار دیگری جز مخالفت مهارت ندارند. حرف‌هایی که تندروها می‌زنند نباید باعث حاشیه‌سازی برای دولت، نهادهای مدنی و جامعه شود. در مسایل اقتصادی، شفاف‌سازی مهم‌ترین کاری است که دولت می‌تواند انجام دهد، یعنی کل امکانات، توانایی‌ها و امتیازاتی که دولت در قلمرو اقتصادی ارایه می‌دهد باید به‌طور شفاف بیان شود و وزارت‌خانه‌ها تمامی اطلاعات را به وجود افراد سیاست‌مداران قرار دهند که همین امر باعث کنترل رشد در کشور می‌شود و فساد اقتصادی به حداقل میزان خود کاهش می‌یابد. راه‌حل دوم برای مقابله با چالش‌های اقتصادی، پافشاری بر «حاکمیت قانون» است. اگر در عرصه اقتصادی حاکمیت قانون نباشد، تولیدکننده نمی‌تواند کار کند و محیط کسب‌وکار آسیب می‌بیند و مختل می‌شود. تیم اقتصادی دولت می‌دانند که با چاپ پول و افزایش نقدینگی نمی‌توان تورم را کنترل و گرانی را مهار کرد بنابراین باید با شفاف‌سازی و اجرای درست قانون، معضلات اقتصادی را کاهش دهند. دولت باید به بانک‌ها بگوید که مراحل دریافت وام و همه جزئیات آن را به‌طور شفاف اعلام کنند، سپس آن را با هشت‌سال گذشته تطبیق دهند تا ببینند این وام‌ها به چه کسانی داده شده و چه مرحله‌ای را طی کرده است؟

اما در حوزه مشکلات فرهنگی، اولویت این است که دولت، زمینه‌ساز تولیدات فرهنگی باشد و جامعه مدنی هم تولیدات فرهنگی خود را ارایه کند که این کار مهم‌ترین و بزرگ‌ترین خدمت به حوزه فرهنگ کشور است. تندروها و افراطیون اگر واقعا منتقد شرایط هستند چرا در هشت‌سال گذشته که دولت آنان بر سر کار بود و منافع ملی به بازی گرفته شد انتقادی نکرده و حرفی نزدند؟ آنها البته امروز هم به راحتی، دولت را به باد انتقاد می‌گیرند و خود را به تهاقل در زمانه خود که در دولت مطلوب آنها، با منتقدان چه رفتاری می‌شد! اندرخواهند؟ دولت در انتخابت ریاست‌جمهوری اخیر، ضربه بزرگی از مردم خوردند و نمی‌خواهند این ضربه را بپذیرند. در واقع جریان تندرو در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم به نوعی غافلگیر شدند. مقاومت در برابر خواست عمومی، امری است که با گذشت زمان، حل خواهد شد و چاره‌ای جز پذیرش آن باقی نخواهد ماند. اما در بحث گشایش سیاسی، وزارت‌خانه‌ها و وزرا نباید مثل افراد «لشکرشده» عمل کنند. وزرای ما مستبد و دیکتر روحانی با رای اکثریت مردم رئیس‌جمهور شده است، بنابراین همه باید با آنکه به نفس کار کنند و وقت خود را صرف حاشیه‌سازی افراطیون نکنند. باید همه تلاش کنیم تا آزادی مطبوعات، احزاب، اجتماعات و… روزبه‌روز تقویت شود. جامعه‌ای قدرتمند است که منسجم باشد. جامعه پراکنده و دولت برخاسته از این نوع جوامع، قدرت لازم را ندارند؛ بنابراین باید با حل چالش‌ها و دوری از پراکندگی و تفرقه، منسجم بوده و با قدرت عمل کنیم. باید دانست دولت نهم در دهه ماشین زمانه ایران را به سمت تونلی تاریک، برده بود و معلوم نبود این ماشین جامعه در تونل تاریک به کدام مسیر حرکت می‌کند؟ دولت یازدهم در اولین ماه‌های کاری خود پیشرفت خوبی داشته است و در جهت خارج‌شدن به گروه‌های تندرو تذکر داند و خاطر‌نشان کردند که انتقادشان باید ملام و مستدل باشد و نباید به شکلی باشد که منافع ملی کشورمان را به خطر بیندازد. (یلنا)

نگاه

چالش‌های دولت در حوزه فرهنگ	
صادق زیباکلام	

فرهنگ، عمده‌ترین و جدی‌ترین چالش دولت روحانی در سال ۹۳ خواهد بود.

وزارت ارشاد و علی جنتی هر روز بیش‌ازپیش به سمت جایگاه «مهم‌تردیف اول» سوق داده می‌شوند. قبل از پرداختن به اینکه چرا فرهنگ دستاویز حمله به دولت در سال آینده خواهد بود، بگذارید توضیح دهم که بهانه‌های دیگر کمابیش، کارایی خود را از دست داده‌اند.

منظورم این است که اگر وضعیت اقتصادی رو به بدترشدن بود، قطعاً اصولگرایان روی این حوزه متمرکز می‌شدند. اما از بخت بد تندروها، به‌نظر می‌رسد دولت یازدهم به زعامت ظریف توانسته بزرگ‌ترین مانع و سد راه توافق هسته‌ای را -که عدم‌اعتماد غربی‌ها به ما و متقابلاً ما به آنها بود- تا حدود زیادی از سر راه بردارد. زید اسماله خاصی ظرف ماه‌های آینده پیش نیاید، به‌نظر می‌رسد روحانی و ظریف توانست‌اند ایران را از مساله هسته‌ای به سلامت عبور دهند. هر قدر که مساله هسته‌ای رو به بهبود برود، وضع اقتصادی بهبود خواهد یافت.

برداشتن‌تحریم‌ها به تنهایی مثل قطع‌شدن تب برای اقتصاد بیمار ایران خواهد بود. باقیی سلامت بیمار، به‌تدریج به وی باز خواهد گشت. بنابراین در حوزه توافق ژنو و به تبع آن، بهبود وضع اقتصادی، عملاً اصولگرایان مستمسکی برای حمله به دولت نخواهند داشت.

در حوزه‌سیاسی نیز ایضاهمین‌طور. جدی‌ترین نقطه حمله، وزارت علوم است که چرا «فرجی دانا»، دانشجویان سرتهدار و اسنادان ممنوع‌التدریس را به دانشگاه باز می‌گرداند؟ در اینجا هم اصولگرایان، دست خیلی پری ندارند چراکه هرگاه به وزیر علوم بورش می‌برند، با این پرسش مواجه می‌شوند که محروم‌کردن دانشجویان به دلیل انگیزه‌های سیاسی، عملی قانونی نیست و درحقیقت دولت گذشته که مرتکب آن اخراج‌ها و تعلیق‌ها شده بود اعمالش غیرقانونی و غیراخلاقی بوده است.

در بسیاری از حوزه‌های دیگر هم اصولگرایان دست پری برای حمله ندارند.

از جمله درخصوص فساد، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، مشکلات هدفمندی و شروع مرحله دوم آن است که از این مضللات درحقیقت بسیاری از این مضللات درحقیقت بازمی‌گردد به سیاست‌های نه‌چندان اصولگرایان، دست خیلی پری ندارند چراکه هرگاه به وزیر علوم بورش می‌برند، با این پرسش مواجه می‌شوند که محروم‌کردن دانشجویان به دلیل انگیزه‌های سیاسی، عملی قانونی نیست و درحقیقت دولت گذشته که مرتکب آن اخراج‌ها و تعلیق‌ها شده بود اعمالش غیرقانونی و غیراخلاقی بوده است.

در بسیاری از حوزه‌های دیگر هم اصولگرایان دست پری برای حمله ندارند. از جمله درخصوص فساد، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، مشکلات هدفمندی و شروع مرحله دوم آن است که از این مضللات درحقیقت بسیاری از این مضللات درحقیقت بازمی‌گردد به سیاست‌های نه‌چندان اصولگرایان، دست خیلی نمی‌توانند خوراک جدی برای اصولگرایان فراهم بیاورند.

واقع مطلب آن است که در به‌وجودآمدن این مشکلات، اگر نقش اصولگرایان بیش از دولت گذشته نبوده باشد یقیناً کمتر هم نیست.

اما فرهنگ تنها حوز‌امی است که اصولگرایان می‌توانند به دولت یازدهم حمله‌ور‌شده بدون آنکه با دردسر و مشکلاتی مواجه شوند.

ادامه در صفحه ۱۱



حضور تندروها در مراسم استقبال از رئیس‌جمهور پس از سفر نیویورک/ عکس، فارس

حوزه‌های هم‌اوردی جبهه تحول‌خواهان و منتقدان دولت در سال ۹۳

تلاش مغلوب‌ها برای غلبه

و البته نفی‌نکردن تجربه‌های سایر کشورهای هم‌تراز در مسیر رشد و پیشرفت، سبب شد عقربه‌های شاخص‌های کلان، اعداد غرور‌انگیزی را نشان دهند اما بخش قابل‌توجهی از پتانسیل دولت و گروه‌های مرجع اجتماعی صرف توجیه بخش‌های غیرهم‌راه یا عبور از موانع شد که نوعی هدررفت منابع و منافع ملی را در پی داشت. حامیان این دیدگاه بسر این باورند که بخش‌هایی که در اختیار دولت نیستند اگر قصد همراهی و رسیدن به یک استراتژی واحد ملی و نوعی هم‌افزایی برای بهترکردن شاخص‌های رفاهی و توسعه‌ای را ندارند حداقل نظاره‌گر صرف باشند. کشاکش میان این دو دیدگاه، باز هم سبب شد تا گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قشرهای مختلف در درون جامعه ایران برای یک نقش‌آفرینی دیگر مهیا بشوند. به بیان دیگر تسلط این گفت‌مان که نمی‌توان و نباید نسبت به آسیب‌رسیدن به منافع ملی و روند‌های توسعه‌ای در اثر رژی کارآمدن جریانات سیاسی ناتوان در اقتصاد و دیپلماسی و سایر حوزه‌های کلان، بی‌تفاوت بود، بار دیگر اتلافی ناخواسته پدید آورد تا همه

رخداد ۲۴ خرداد

سال ۹۲ با همه فرازوفرودهای آن، از همان ابتدا متفاوت آغاز شد که در دل خود، حوادث متفاوتی را به‌همراه داشت. موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری و اجماعی نسبی بر سر حضور در این آوردگاه- البته با نامزد حداکثری- به‌تدریج در میان نیروهای تحول‌خواه حاصل شد. آنان با نیم‌نگاهی به تجربیات سال‌های پس از دوم‌خرداد ۷۶ به‌ویژه چهارسال دولت دوم محمود احمدی‌نژاد که متناثر از وقایع انتخابات دهم ریاست‌جمهوری بود، ابتدا به‌گونه‌ای تردیدآمیز به پیرامون خود نگریستند. تعدادی از نیروهای اصلی جریان اصلاحات، امکان حضور در فضای سیاسی را نداشتند از دیگرسو، تکلیف برخی خواسته‌های مشخص و غیرقابل گذشت این طیف فکری و هواداران پرشمار آن در جامعه، وضعیتی نامعلوم داشت. با این حال شرایط اقتصادی، سیاست خارجی، شاخص‌های تکران‌کننده اجتماعی، نارضایتی عمیق اهالی فرهنگ از نحوه مواجهه دولت اصولگرا با آنان و از همه مهم‌تر، دغدغه‌های کلاما جدی در مورد فرجام پرونده «سیاست‌ورزی» و «مبارزت پارلمانتاریستی» بود که امکان بی‌تفاوتی نسبت به رخداد پیش‌رو در ۲۴خرداد ۹۲ را دشوار می‌کرد. با این حال بخش‌هایی از بدنه حامیان اصلاحات و نیروهای منتقد، در دیدگاه خود مبنی بر لزوم تحقق حداقل خواسته‌هایشان تأکید کردند و برخی نیز از فضای انتخابات برای بیان دیدگاه‌هایشان استفاده کردند. شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که با اجماع حداکثری و روحانی به گزینش آن حاسته از نیروهای تحول‌خواه که به فعالیت در فرآیند انتخابات مشغول بودند- با محوریت خاتمی، هاشمی، ناطق‌نوری و طیف‌های متفاوت حامی هرکدام از این چهره‌های ملی- بدل شده و ۲۴خرداد، «ثبت جهانی» شد.

ادامه در صفحه ۱۱

حمیدرضا عارف محمدرضا جعفر تشخیص مصاح	
افزایش شکاف طبقاتی، رشد نرخ تورم، افزایش بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نمونه‌هایی از دستاوردهای مدیریت نادرست اقتصادی در دوره گذشته است. در فضای خوب ایجادشده بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری زمینه برای رونق اقتصادی در کشور وجود دارد و در این بین بخش خصوصی با نیروهای مجرب و روحیه‌ای که برای کار بیشتر و رقابت سالم‌تر در فضای اقتصادی دارد، می‌تواند در حل مشکلات کشور موثر باشد. با تحرکاتی که دستگاه دیپلماسی طی چندماه گذشته در عرصه بین‌الملل داشته بخ‌های ارتباط با کشورهای منطقه در حال آ‌بشدن است و این فرصت خوبی برای فعالان اقتصادی است که با استفاده از موقعیت ایجادشده به فکر حضور در بازارهای منطقه و تولید ثروت برای کشور باشند. در فضای آرام و بدون تنش است که اقتصاد یک کشور رشد می‌کند. زمانی که عده‌ای به دنبال انتقام‌گیری از حرکت هوشمندانه مردم در ۲۴خرداد هستند و به عناوین مختلف به دنبال ایجاد تنش و درگیری در فضای کشور هستند، مطمئناً نمی‌توان امیدوار بود که اقتصاد کشور شکوفا شود. (ایستا)	

رسول منتجب‌نیا قائم‌مقام حزب اعتمادملی	
بر همه واضح است که یک گروه افراطی و تندرو از زمان اعلام رای انتخابات ریاست‌جمهوری کمتر همت خود را محکم بسته‌اند که با دولت روحانی مقابله کنند و در این مدت نیز تلاش داشته‌اند به‌نحوی آقای روحانی را وادار به تسلیم و او را وارد جرگه تندروهای اصولگرا کنند، اما وقتی از این هدف ناامید شدند و دیدند که آقای روحانی شعار اعتدال سر می‌دهد، همه تلاششان را برای مقابله با دولت و کارشکنی در کار دولت به کار گرفتند و از هرگونه سنگ‌اندازی در مقابل کار دولت کوتاه نیامده‌اند. افراطیون به خوبی می‌دانند که دوره افراطی‌گری به پایان رسیده و آنها چاره‌ای ندارند جز اینکه یا خود را تعدیل کنند یا از جرگه خارج شوند. معتمد دولت آقای روحانی نباید در برابر افراطیون کوتاه بیاید و هرچه در مقابل این افراد تمل و تسامح بیشتری از خود نشان دهد بیشتر ضربه خواهد خورد. دولت بداند که اگر با مردم به صورت شفاف و با صراحت و شهامت صحبت کند، مردم از آن‌ها حمایت می‌کنند اما چنانچه در مقابل این افراد کوتاه بیایند مردم از دولت ناامید خواهند شد. (یلنا)	

علی‌محمد حاضری استاد دانشگاه و فعال سیاسی	
همین که در مجلسی که در برابر دولت سابق اغلب همراه بود، از دولت تدبیر و امید انتقاد می‌شود و وزرا برای پاسخگویی به مجلس می‌روند، نشانه این است که در دولت فضای انتقادپذیری وجود دارد. اگر به صفحات روزنامه‌های مخاف دولت نگاه کنیم، می‌بینیم که صفحات این روزنامه‌ها آکنده از انتقاد و مخالفت با دولت است و هیچ برخوردی با این روزنامه‌ها نشده است، در حالی که در دولت اصولگرای سابق هرگونه نقد کردن و انتقاد به دولت جرم محسوب می‌شد و آن روزنامه و رسانه پس از مدتی توسط دولت مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت و در آخر توقیف می‌شد. خوشبختانه فضای انتقادپذیری دولت سابق برچیده شده و مطبوعات و رسانه‌ها به‌اوجه نقد می‌کنند، هرچند هنوز بی‌مهری‌ها نسبت به برخی از رسانه‌های اصلاح‌طلب ادامه دارد. افرادی که در دولت سابق راه را برای نقد کردن بسته بودند، اینک در برخی مسایل سیاسی پیش‌تر مخالفت با دولت هستند، پس ادعای آزادمشی و نقدپذیری آنها فقط یک ادعاست که با عملکرد آنها در دولت قبل هیچ سنخیتی ندارد. اینک کشور در شرایطی قرار دارد که نیاز به همدلی و همراهی دارد و باید از دولت حمایت کرد، اما اگر اشتباهی هم صورت گرفت باید متذکر شد و ما نقد را تابو نمی‌دانیم. (یلنا)	

احمد شیرزاد استاد دانشگاه و فعال سیاسی	
جریانی همواره می‌خواهد در این ایهام سیر کند و از مزایای بی‌شناسنامه بودن و بی‌هویت بودن استفاده کند و هزینه‌های شفافیت را پرداخت نکند. به هر حال جریان منشعب از اصولگرایان که امروز به نام تندروها نامیده می‌شوند باید نامی برای خود انتخاب کنند و هویت بیابند اگر نه در قالب حزبی ولی لاقال شناخته‌شده باشند. امروز آن جریان به شدت دچار سرگردگی و خود‌گم‌کردگی است و شایسته است آنها را تندرو بنامیم. اگر از این عنوان ناراحت می‌شوند خب بشوند، مگر اینکه شناسنامه‌ای بیابند.	

محسن غرویان / استاد حوزه و دانشگاه: کشور پس از انتخابات ریاست‌جمهوری از آرامشی نسبی برخوردار شده است. جوسازی‌ها و موج‌آفرینی‌ها تأثیری بر روند فضای سیاسی کشور دارد و افراطیون می‌خواهند این فضای آرامش نسبی را تحت‌تأثیر قرار بدهند و در این شرایط باید نخبگان و روحانیت آرامش خود را حفظ کنند تا آرامش کشور از بین نرود. مقام‌عظم‌ه‌بری چندی پیش در صحبت‌هایشان به گروه‌های تندرو تذکر داند و خاطر‌نشان کردند که انتقادشان باید ملام و مستدل باشد و نباید به شکلی باشد که منافع ملی کشورمان را به خطر بیندازد. (یلنا)



حامد طبیبی

سال ۹۳؛ نمود عملکرد دولت یازدهم در عرصه کشورداری. این گزاره‌ای است که روی آن، وقایع نسبی وجود دارد. کم نیستند چهره‌ها و افرادی از اقشار مختلف جامعه که هرچند نیمه‌دوم سال ۹۲ را با دولت جدید گذرانده‌اند و امید به بهبود امور را از دست نداده‌اند اما در عین حال، از داستان تصویب مهم‌ترین سند دخل‌وخرج کشور در آخرین ماه‌های عمر دولت محمود احمدی‌نژاد باخبر بوده و تا حدی نیز از احوالات کشور در همه حوزه‌ها آگاه هستند. به‌علاوه، مهلتی منطقی را برای مدیر تازه‌استقرار یافته در وزارتخانه یا سایر دستگاه‌های اجرایی، غیرقابل‌اجتناب می‌دانند تا‌او بتواند با برنامه‌های کوتاه و میان‌مدت، آنچه به‌عنوان استراتژی کلی در نقشه راه دولت و تفکرات آن طراحی‌شده را در سازمان‌ها و بخش‌های زیرمجموعه خود عملیاتی کند. امروز و در آخرین روزهای آخرین ماه‌های سالل ۹۲، نزدیک به هفت‌ماه برای «دوران انتقال» سپری شده است و سالی در پیش‌رو است که انتظار می‌رود رونمایی از نخستین گام‌های جدی‌تر اهالی پاستور، مشاهده شود اما چالش‌هایی نیز وجود دارد که ذهن بسیاری از نیروهای سیاسی و حتی مردم را درگیر کرده است. در چندماه اخیر پس از واکنش‌های عجیب تندروها به تلاش‌های شبانه‌روزی تیم مذاکره‌کننده، مدیران اقتصادی دولت، وزیر و معاونان وزارت ارشاد و سرپرست و وزیر علوم، بارها در مکان‌های عمومی شاهد برخی ابراز نارضایتی مردم از بهبود امور بوده‌اند. اینکه عده‌ای علاقه‌مند به تغییر فضا نباشند و دولت نیز امکان لازم برای گذر از چنین فضایی را فراهم نبینند، یکی از مسایلی است که در سال آینده و سال‌های آتی، پارامتری تعیین‌کننده خواهد بود.

کدام دیدگاه؟

دیدگاه برخی نیروهای تحول‌خواه در سال‌های اخیر بر این محور استوار بوده که حتی با وجود حضور نیروهای اصلاح‌طلب متخصص در دولت - و در بهترین حالت، هم‌زمان در مجلس- باز هم بخش‌هایی هستند که در مجموعه تصمیم‌سازی در کشور، دارای نفوذ و اثربخشی هستند. اگر قرار بر این باشد که این بخش‌ها در برابر آنچه دولت برخاسته از رای مردم برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای، در نظر دارد معانعت به عمل آورند آن‌گاه نمی‌توان به نتیجه مشخصی رسید و به یک «دور» می‌رسیم. اگرچه تجربه دوران اصلاحات پیش‌رو است که با وجود برخی تلاش‌ها برای ناکام‌ماندن برنامه‌های اصلاحی دولت خاتمی، به کارگیری نیروهای فن‌سالار و شایسته، نظم‌پذیری در امور اجرایی و اقتصادی